

بررسی تاثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان

مژگان خاکپور* - دانشجوی دکترای پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی شیخ مهدی - استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

The Role of Culture and the Effect of Social Transformations on Rural Houses

Abstract: The appearance of villages of Iran has been changed very rapidly in the recent decades in such a way that sociologists are seeking a response for the quality of such changes and also the related cultural damages. Among them some are proponents of protection of villages traditional feature without any change and the other group deems such transformations inevitable and as the result of urbanism and increase of immigration from villages to cities. In this article it has been tried to challenge the cultural factors of such transformations and to take a look on the necessity of operation optimization. The subject matters of this article have been collected on the basis of library studies and field observations about more than 90 villages at plain, mount and mountainous at Guilan province and analyzed with causal research method. For the same reason, first culture has been defined and its relation with architecture was investigated and the importance of study of architecture as one of the symbols of social culture and specifications were mentioned. Then the necessity of change in rural societies and therefore relative transformation of villages' residential architecture in relation to cultural changes was propounded. This research was performed with the aim of stress on the necessity of change in architectural techniques in relation to villagers' current life needs and mentioned the importance of the effect of cultural needs on rural house pattern.

Key words: Culture- Social changes- Village building- Village development- Guilan.

چکیده

تغییر سیمای روستاهای ایران در دهه‌های اخیر بسیار سریع بوده است؛ به طوری که پژوهشگران در پی پاسخ به چگونگی این تغییرات و نیز در جستجوی آسیب‌های فرهنگی آن برآمده‌اند. در این میان، عده‌ای خواهان حفظ چهره‌ی سنتی روستا و عدم دگرگونی آن می‌باشند و گروهی نیز چنین تحولاتی را اجتناب‌ناپذیر و نتیجه‌ی گسترش زندگی شهرنشینی و تبعات افزایش مهاجرت از روستا به شهر می‌دانند. این نوشتار سعی بر آن دارد تا عوامل فرهنگی این دگرگونی‌ها را مورد توجه قرار دهد و به لزوم بهینه‌سازی عملکرد بناهای روستایی بپردازد. اطلاعات این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی گردآوری شده‌ی بیش از نود روستا در پهنه‌های جلگه‌ای، کوهپایه و کوهستانی استان گیلان و با روش تحقیق علی‌مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به همین سبب ابتدا به بررسی تعریف فرهنگ و ارتباط آن با معماری پرداخته شده و اهمیت بررسی معماری به عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر فرهنگ و خصایص اجتماعی، بیان گردیده است. سپس لزوم تغییر در جوامع سنتی روستایی و دگرگونی نسبی معماری مسکونی روستاها با توجه به تغییرات فرهنگی در ارتباط با فضاهای عمومی و خصوصی خانه‌های روستایی گیلان مطرح شده است. این پژوهش با هدف تاکید بر تغییر راهکارهای معماری در ارتباط با نیازهای زندگی امروز روستاییان بوده و تاثیر فرهنگی بر طراحی الگوی مناسب و جدید مسکن روستایی را مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: معماری گیلان، تغییرات فرهنگی-اجتماعی، مسکن روستایی

* نویسنده مسئول مکاتبات، تلفن: ۰۱۱۳۳۱۵۹۲۸۹، ایمیل: m.khakupour@modares.ac.ir

زیستگاهی با بستر طبیعی پیرامونی، فقدان ارتباط منطقی در روابط اجتماعی و عدم تجانس ساخت و سازهاست. این نوشتار سعی دارد رابطه نظام اجتماعی محیط را با معماری آن بازگو نموده و تاثیرگذاری تغییرات اجتماعی را بر کالبد روستا به خصوص بر مسکن روستایی با تاکید بر نقش فرهنگ بیان نماید و می‌کوشد به پاسخ‌های کلی برای طرح الگوهای مسکن امروزی در روستاها دست یابد.

تاثیر پذیری مسکن بومی از فرهنگ

فرهنگ به معنای عام کلمه عبارت از پیشرفت‌های معنوی و ژرفای فکری یک قوم، قبیله یا ملت در طول تاریخ و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، مذهب، سنن، زبان، ادبیات، قوانین اجتماعی، هنر و معماری، ابزار و اشیاء مربوط به آن ملت یا قوم است. در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی از فرهنگ تعاریف متعددی عنوان گردیده است. «ادوارد تایلر»^۱ تعریفی این‌گونه بیان کرده است: «فرهنگ مجموعه‌ای پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است.» «رالف لینتون»^۲ فرهنگ را ترکیبی از رفتار اکتسابی می‌داند که به وسیله اعضای جامعه‌ی معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و میان افراد مشترک است. فرهنگ از جمله موضوعات پیچیده‌ای است که جایگاه تأملات نظری در عرصه‌ی زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر؛ و پژوهش‌های علمی و تجربی در حوزه‌های مردم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره بوده است. جامعه‌شناسی نیز به نظام‌ها و ساختارهای فرهنگی می‌نگرد؛ یعنی به رابطه‌های میان افراد، الگوهای فرهنگی تثبیت شده‌ی ناشی از کنش متقابل اجتماعی و معانی مشترک میان افراد اجتماع می‌پردازد. در این خصوص می‌توان گفت «آنچه رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها را می‌سازد، متأثر از اوضاع فرهنگی آدمیان است. بدیهی است که این اوضاع فرهنگی از یک

در نیم قرن گذشته شاهد تغییرات عمده‌ای در سیمای روستاهای کشورمان بوده‌ایم که بیشتر به معماری مسکونی آن‌ها مربوط می‌باشد. هنگام مواجهه با چهره‌های جدید مکان‌هایی که نقشی از سابقه‌ی آن‌ها در خاطره‌ها برجای مانده، دایماً این سوال‌ها در اذهان شکل می‌گیرد که چرا چهره‌ی روستاها با این سرعت دگرگون گردیده است؟ آیا برای حفظ ظاهر سنتی روستاها نباید کاری انجام داد؟ چه چیزی موجب این تحول شده است و آیا این همه تغییر لازم است؟ سوالاتی از این قبیل که به صورتی بنیادین در روایتی با تغییرات سریع در کالبد روستا صورت می‌پذیرد، ما را دچار تشویش می‌سازد. کسانی که بر حفظ خاطرات و تصاویر گذشته منقوش در ذهن خود مصرتند، از تغییرات کالبدی روستاها دغدغه بیشتری احساس می‌کنند. دانستن این‌که در طول زندگی و در طی زمان عمر چند نسل، چه چیزهایی باید تغییر یابد و این تغییرات در نهان و آشکار سکونت چه تاثیری بر جای می‌گذارد، نوع نگرش و خواسته‌های ما را در تحولات کالبدی عوض نموده، اضطراب حاصل از مشاهده تغییرات، جای خود را به گزینش بهترین رویکردها خواهد داد. بی‌توجهی به توسعه و عمران روستایی موجب آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی مانند افزایش نرخ بیکاری، فقر و به تازید و ازدیاد شکاف‌های طبقاتی در جامعه‌ی روستایی خواهد شد. از این رو پیدایش تغییرات کالبدی در پی توسعه روستایی با معنای عام رسیدگی به وضع مردم و بهبود شرایط آنان، اجتناب ناپذیر است. از مهم‌ترین ابعاد توسعه‌ی روستایی نظارت بر رشد جمعیت روستایی با مفهوم جلوگیری از مهاجرت به شهر و نیز ساماندهی سکونت در روستاها است. این موضوع توجه بیشتر برنامه‌ریزان را به بالا بردن کیفیت زندگی روستایی به عنوان هدف توسعه، فرا می‌خواند. وضعیت نابسامان در کالبد مجموعه‌های زیستی روستایی کنونی ناشی از بروز اغتشاش در عرصه‌های مختلف، از جمله عدم تعادل منطقی مجموعه‌ی



۱. انسان‌شناس انگلیسی قرن نوزده میلادی (۱۸۳۳-۱۹۱۷)

۲. رالف لینتون مردم‌شناس آمریکایی (۱۹۳۱-۱۹۵۳)

بازتاب وضعیت زندگی اجتماعی بشر شده است. «تحقق نیاز به تصرف فضا که در ابتدا با علامت‌گذاری ساده توسط انسان صورت می‌پذیرفته و با جهش‌هایی متناسب با نیازهای مادی و معنوی زندگی شناخته می‌شد، در طی زمان تکامل پیدا کرد. این تکامل بیان‌گر دو اصل می‌باشد. نخست آن‌که پاسخگوی ارتقاء شعور و مفهوم هرآن چیزی است که انسان در دنیای پیرامونی خود انجام می‌دهد و بازنمایی کارهای وی و فرافکنی مقیاس کوچکی از دنیایی است که برای خود ساخته است؛ و دوم در پاسخ به نیاز بشر به ارتقای رفاه و ویژگی تلاش برای بهبود وضعیت محیط زیست پیرامون، متناسب با اوضاع اجتماعی مشخص تغییر یافته است» (60: 2001 Meliough); بنابراین می‌توان اذعان نمود که معماری هنری است پیچیده که آمیخته‌ای از دانش‌ها، فنون و هنرهای گوناگون بوده و بازتاب‌گسترده‌ی فرهنگ است. «بناهای متعلق به سنت مردمی، ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها، ارزش‌ها و همچنین تمایلات و غرایز یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت می‌باشند. پس معماری مردمی جهان‌بینی‌ای است که به صورت دیگر بیان شده است» (13: 1972 Rapoport). باید اذعان داشت که معماری آئینه تمام‌نمای فرهنگ جامعه‌ی ساکن در آن است. در معماری سازنده‌ی بنا باید الگویی ذهنی در سر داشته باشد. این الگو بر اساس کنش‌های

فرهنگ به فرهنگ دیگر یا در جریان تحول‌های تاریخی تغییر می‌یابد. حضور تاریخی یک فرهنگ و مشخصه‌های بنیادین آن، همان‌هایی هستند که در تفسیر رفتارهای انسانی نقشی تعیین‌کننده دارند» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۷، ص ۵). در تعاریفی که پیشتر از فرهنگ ذکر شد؛ یکی از بارزترین وجوه نموده‌های فرهنگی، معماری بیان گردید. به عبارتی دیگر، از مطالعه مظاهر فرهنگی و به طور اخص معماری، می‌توان به چگونگی رفتارهای اجتماعی و انفرادی و ویژگی‌های اندیشه‌های بشری پی برد.

در فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، ادراکات حسی براساس تجارب متفاوت، مختلف است و معماری هر فرهنگی، دست‌چینی انتخابی، از این ادراک است. مردم با فرهنگ‌های مختلف در جهان حسی متفاوت زندگی می‌کنند و «تجربه‌ای که از طریق یک مجموعه از انتخاب‌های حسی مرتبط با الگوهای فرهنگی به دست می‌آید، با تجربه‌ای که از طریق دیگری درک می‌شود کاملاً متفاوت است. معماری که مردم خلق می‌کنند نمودهایی از این فرآیند دست‌چین کردن می‌باشد» (هال، ۱۳۸۷، ص ۳). بنابراین هر بنایی در بستر مکانی و زمانی خودگویی خاص‌ی فرهنگی و اجتماعی ساکنان خود است.

معماری نزد بشر اولیه با تعیین حریم و شاخص کردن قلمرو صورت پذیرفته و با گذر زمان به شکل پیچیده‌ای

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰
No.27 Spring & Summer

■ ۲۳۱ ■



تصویر ۱. برقراری ارتباط اجتماعی از درون بنا به فضاهای عمومی در روستای تازه آباد جانکاه، استان گیلان؛
ماخذ: مجموعه عکس‌های نگارندگان.

اجتماعی که همیشه معنادار هستند، شکل می‌گیرد. «تولید معناهاى اجتماعى شرط ضرورى براى عملى شدن يك كنش اجتماعى است، و از آنجا كه معناها نمى‌توانند ثابت باشند بلكه پيوسته در حال دگرگونى اند و همواره مورد مجادله هستند، به دست دادن شرحى از موقعيت‌هاى گفتمانى‌كنش‌هاى اجتماعى بايد بخشى از تبیین جامعه‌شناختى در مورد چگونگى عملکرد آن‌ها باشد» (بردلى، ۱۳۶۸، ص ۲۷). به عبارتى، رفتارهاى اجتماعى از نوع كنش‌هاى معنادار (و نه كنش‌هاى زيستى) و پديده‌هاى فرهنگى است كه خود مستقيماً بر معماری‌تأثيرگذار است (تصوير شماره ۱).

انسجام كالبدى سكونت‌گاه‌هاى انساني به تبع انتظام اجتماعى شكل مى‌گيرد؛ و در آن ساختار محله، جزء محله و واحد مسكونى از ویژگی‌هاى ساختارى جامعه تبعیت مى‌کنند. «انسان آزاد است كه از میان امكاناتى كه فرهنگ تعيين کرده است انتخاب كند و تا حد معينى مى‌تواند در فرهنگى خاص خلاقانه مشاركت كند. اين بدان معناست كه هر فرد در درون يك نظام معنائى زاده مى‌شود كه از طريق مظاهر نمادینش به فهم آدمى در مى‌آید» (نورنبرگ شولتز، ۱۳۸۷، ص ۵۳۶)؛ بنابراین ارتقای ساختار جامعه، به افزایش احساس مطلوبیت كالبدى سكونت‌گاه در وجه ادراكى ساكنان منجر مى‌گردد.

در نگاهی گسترده، جامعه‌شناسى به عنوان يك علم، علم مطالعه‌ی پديده‌هاى اجتماعى است كه به روابط جمعى افراد و كنش‌هاى متقابل آنها نظر دارد. به عبارتى «جامعه‌شناسى از زمره علوم اجتماعى و علمى كميت‌گراست كه به مطالعه اجتماع و نظام‌هاى انساني، روابط افراد با يكديگر و با جامعه، نهادها و ساختارهاى اجتماعى مى‌پردازد، و از جمله مسائلى مختلف، به موضوع ارتباطات انساني و چگونگى انتقال و خلق معنى در بستر اجتماع توجهى جدی دارد» (رامین، ۱۳۸۷، ص ۹). چنان‌كه اين معانى خلق شده در بستر اجتماع، قابليت تبلور رفتار اجتماعى را داشته و بر اين اساس

تعامل انسان‌ها با يكديگر و محيط پيرامون؛ و خصوصيت فضايى را كه در آن زندگى مى‌كند را معرفى مى‌كند. شايسته بيان است كه «اصطلاح رفتار اجتماعى را در مورد فعاليت‌هاى به‌كار مى‌بريم كه بر حسب معنا و مقصودى كه افراد عامل براى آن قايل هستند، با رفتار ديگران مرتبط باشد و بر اساس آن جهت‌گيرى شود» (وبر، ۱۳۸۵، ص ۳۳). اين رفتارهاى اجتماعى مولد بروز ويژگى‌هاى كيفى محيط زيست مى‌گردد كه به آن معنای هویت فرهنگی می‌بخشد.

بررسى تأثيرات فرهنگى بر سکونت‌گاه‌هاى انساني در جامعه‌شناسى روستايى در کنار جامعه‌شناسى شهرى و عشائرى قرار دارد. در بيشتر تعاريفى كه از روستا در ايران ارايه شده است، صرف نظر از ملاك جمعيتى كه وجه تمایز آن از شهر محسوب مى‌شود، روستا را يك واحد جغرافيايى، اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى ويژه‌اى معرفى مى‌كند كه خودكفا و خودگردان بوده و اقتصاد اصلى آن بر پايه توليدات كشاورزى، دامدارى، باغداری و ساير مشاغل خدمات روستايى قرار دارد.^۳ افراد روستا داراى ارزش‌هاى اجتماعى تقريباً يكسانى هستند و ارتباط شخصى مستمرى دارند. «ادوارد هال»، مردم شناس آمريكايى معتقد است كه طرح روستاها اتفافی نبوده بلكه تابعى است از زمان و تغييرات فرهنگى.^۴ روستا مجموعه‌اى پويا و مبتنى بر كنش‌هاى متقابل انسان و محيط پيرامون است. اينچنين، معماری روستايى بومى و در طى دوران دچار كنش و واكنش يعنى تغييرات جزئى و كللى بوده است. كالبد روستا به طور عام وجود ارتباط میان عوامل تشكّل روستا همانند شرايط مناسب زيست‌محيطى، اجتماعى، سياسى، اقتصادى و غيره را نشان مى‌دهد. «مجتمع‌هاى زيستى نيز چون تمامى محيط‌هاى مصنوع، طراحى شده هستند، بدان مفهوم كه دربرگيرنده تصميمات، گزينش‌ها و روش‌هاى خاص انجام كار انسان مى‌باشند. جنبه مشترك میان تمامی این فعاليت‌ها گزينش يك راه حل از میان تمامی راه‌حل‌هاى ممكنه است. گزينش انجام شده، معمولاً با

۳. براى اطلاعات بيشتر نك. وثوقى فصل دوم.

۴. ادوارد هال بر اين باور است كه فضاهاى با سيمای ثابت كه از اساسى‌ترين راه‌هاى سازماندهى فعاليت‌هاى مادى و معنوى انسان است طرحى بر پايه‌ى تغييرات زمان و فرهنگ است. براى اطلاعات بيشتر نك. هال، ۱۳۸۷: ۱۲۵

ص ۱۷). با این وصف از منظر جامعه‌شناسی سکونت در معنای کلی دو وجه عمومی و خصوصی را در برمی‌گیرد و از هر کدام از این دو وجه نیز معنایی که بر مکانی دلالت دارند، مستفاد می‌شود. مسکن دارای وجودی چند جانبه است که علاوه بر موجودیت کالبدی خود فضایی اجتماعی و فرهنگی است. از این رو پدیده‌ای به ظاهر ساده و هم‌زمان پیچیده است.

از آنجاکه در روستاها معماری بومی توسط صاحبان خانه ساخته می‌شود، نیازها و خواسته‌های افراد درک شده و مسکن کاملاً در ارتباط با مسایل صاحب خانه طرح می‌گردد. به بیانی دیگر مالک بنا در طراحی دخالت داشته و تنها استفاده‌کننده نیست. در معماری بومی نکته حایز اهمیت انطباق شکل بنا با نیازهای فیزیکی و فرهنگی است. «این نیازها تنها فیزیکی و مسایل مادی امرار معاش نبوده‌اند. بلکه تجلی غیرمادی است که منعکس‌کننده‌ی جستجوی مکانی ویژه برای خود است. جایی که در نهایت آزادی، اجازه اظهار کردن و عینیت بخشیدن به بازنمایی ویژگی‌هایی برای خود در علامت‌گذاری و تعیین قلمرو، گاه خیالی و گاه عینی است» (Meliouh, 2001: 59). تعیین قلمرو موجب احساس امنیت و اطمینان خاطر در انسان بوده و او خود را تحت حمایت محیط می‌یابد. ^۵ یکی از عملکردهای قلمرو این است که موجب می‌شود تا فرد احساس خود را منسجم نماید (Robert, 2002: 36).

روستا یکی از عرصه‌های پایدار و بسیار کهن سکونت جمعی انسان است و شامل فضاهایی عمومی است که زندگی اجتماعی در آن شکل می‌گیرد و در هم‌نشینی با خانه که محل سکونت خصوصی است، هویت فردی را معنا می‌بخشد. «آبادی همراه با فضاهای شهری خود همواره صحنه‌ای بوده که سکونت مجتمع در آن به ایفای نقش پرداخته؛ نهاد یا بنای عمومی سکونت عمومی را تجسم بخشیده، و خانه با خلوت‌کده‌ی خصوصی یعنی مکانی که فرد در آن به مقصود نهایی نایل گردیده، هم عنان بوده است» (نورنبرگ شولتز، ۱۳۸۱، ص ۹). تعاملات اجتماعی انسان‌ها پس از تشکّل مجتمع‌های زیستی تولد می‌یابد. این تعامل حاوی توافق میان ساکنان یک

فرهنگ مردم مذکور تطابق دارد و به طور کلی یک نحوه بررسی فرهنگ‌ها، بررسی گزینش‌های مختلف آنان می‌باشد. همین مجاز بودن گزینش‌ها است که مکان‌ها را به صورتی بارز از هم متمایز می‌کند» (راپاپورت، ۱۳۶۶، ص ۶۱).

بنابراین ساختار اجتماعی روستا به عنوان واحد اجتماعی و فرهنگی باید مجموعه‌ای مستقل از سایر نقاط باشد که می‌تواند ویژگی‌های منحصر به فردی داشته باشد. می‌توان گفت «خصوصیات اجتماعی هر منطقه، متأثر از بروز تحولات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، توسعه شیوه‌ها و شبکه‌های ارتباطی، و تأمین خدمات و تسهیلات زندگی بوده و در گذر زمان، تغییر در هر یک از عوامل اولیه، نظام اجتماعی روستا را دستخوش دگرگونی می‌سازد.»

فضاهای عمومی و خصوصی در روستا

اگر به سکونت به معنای واقعیت نهفته در آن بپردازیم، درمی‌یابیم که مسکن با مفهومی گسترده‌تر از سقفی بر بالای سر انسان به کار می‌رود. «از زمان‌های خیلی قدیم، همیشه انسان در پایان کار سخت روزانه، نیازی به مکانی برای استراحت که راحتی زندگی را برایش فراهم آورد و مکانی به عنوان پناهگاه به معنای جایی امن در مقابل خطرهای نیاز داشته است. در واقع این نیاز غریزی مستدام و پایدار که در طول تکامل پیدا شده، خاص گونه‌ی ما (انسان) است. این مکان که در طول تاریخ تحول پیدا کرد و فرم‌های مختلف به خود گرفت همیشه الزامی، ثابت و واحد نبوده است» (Meliouh, 2001: 59). مسکن یعنی عرصه‌ی امکان تبلور زندگی و نیز کسب هویت و وجود از طریق مالکیت بر جهانی کوچک. «سکونت بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، یعنی، به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد. او مکان خود و از این طریق نوعی از همدلی قابل اعتماد با انسان‌های دیگر را برمی‌گزیند» (نورنبرگ شولتز، ۱۳۸۱،

۵. به نظر می‌رسد حس قلمرو سبب می‌شود که فرد احساس کند تحت حمایت محیطی است (Robert, 2002: 34).



نزدیک که منجر به دیدار روزانه افراد روستا است، قوانین جمعی و رفتارهای مشخصی را موجب می‌شود. اما تعاملات اجتماعی ساکنان یک مجموعه زیستی نسبتاً کوچک مانند روستا بر چگونگی ساخت مسکن و الگوهای مناسب بنای مسکونی موثر است. در چنین مجموعه‌هایی امنیت به گونه‌ای دیگر رقم خورده و حجاب‌ها و لایه‌های پنهان بنا محو می‌گردد. به همین دلیل معماری در خلوصی ویژه متجلی شده و از صداقت برخوردار است.

به رغم آنکه ملاک تمیز شهر و روستا، در حال حاضر جمعیت (تعداد یا تراکم جمعیت) آن دانسته می‌شود،^۶ اما تمایزات ساختار اقتصادی و اجتماعی در روستاها و شهرها نیز چشمگیر است. به طور کلی روستا بر اقتصاد کمابیش بسته‌ای متکی است که نقش تولیدی آن محرز می‌باشد. حال آنکه شهرها بیشتر به عنوان جامعه‌ای مصرفی شناخته می‌شوند و غالباً اقتصاد آن بر خدمات و صنعت تکیه دارد. بر اساس تعاریف مختلفی که از روستا بیان می‌گردد، در مجموع می‌توان نکات اصلی زیر را در جامعه‌شناسی فرهنگی روستا مترتب دانسته و تفاوت آن را با شهر بیان نمود:

۱. «ابعاد بوم شناختی». مانند کاربری زمین، وسعت سکونت‌گاه‌ها و تراکم جمعیت و امثال آن.
۲. «شرایط شغلی». تسلط بخش کشاورزی (زراعت، دامداری، باغداری، صید و غیره).
۳. «ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی». همگنی در اعتقادات، طبقات اجتماعی نامحسوس، تسلط خانواده گسترده و پدرسالاری و غیره.
۴. «شرایط جمعیتی». وجود حد معینی از جمعیت که در مناطق مختلف، متفاوت است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

تفاوت شهر و روستا تنها به ابعاد اجتماعی خلاصه نمی‌گردد. در بیان و جوه افتراق شهر و روستا در دوره‌های گذشته تاکید بر وجود عناصر شاخص شهری بوده است. چنانکه اگر مجتمع زیستی به اندازه‌ی کافی وسعت و اهمیت می‌یافت که هم‌زمان دارای مقر تجاری، مقر مذهبی و مقر حکومتی می‌گشت، به آن مکان شهر اطلاق

سکونت‌گاه مجتمع و حافظ منافع مشترک و ارزش‌های اجتماعی آنها است. این تعاملات منجر به امکان عضویت در اجتماع و تحکیم روابط بین اعضا می‌شود و خود نیازمند فضایی همگانی و مشترک میان اعضای مجتمع زیستی است که به دیدارهای روزانه منجر می‌شود. «این فضاها، مکان‌های عمومی هستند که ارزش‌های مشترک در آنها نگه‌داری می‌شوند. سکونت عمومی، پس از توافق اجتماعی و ایجاد مکان‌های عمومی معنی پیدا می‌کند. جنبه دیگر سکونت، خلوت شخصی است که یکی از ابزارهای شکل‌گیری و پرورش هویت فرد است» (maskanmag.com). خلوت فردی یا فضای خصوصی، مکانی است برای انجام رفتارها و کنش‌هایی که باید از نظاره دیگران پوشیده بمانند و معنای سکونت خصوصی را دربرداشته باشد. «خانه حقیقتاً ما را به درون می‌آورد و نیازهای اساسی ما به «بودن در جایی دیگر» را بر می‌آورد. این کارکرد ماهوی «مسکن» است و خانه همواره مکان مرکزی وجود انسان است، مکانی که کودک به شناسایی خود در عالم می‌رسد و مکانی که انسان حرکت خود را از آنجا آغاز می‌کند و بدانجا نیز باز می‌گردد» (نورنبرگ شولتز، ۱۳۸۷، ص ۵۴۲). بنابراین سکونت مفهومی از کسب هویت شخصی است که به وسیله آگاهی بر مکان و وقوف بر محیط عمومی و خصوصی به دست می‌آید. سکونت حس تعلق خاطر به نقطه‌ای خاص است که دارای تاثیرات عمیق و پایدار می‌باشد. این هویت در بستر وجودی خود که ناشی از تعلق به مکانی در کنار سایرین است، در گذر زمان به هویت اجتماعی و عمومی بدل می‌شود. به عبارتی حس مکان، شخصیت انسان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. فرهنگ که دربردارنده هویت اجتماعی است، در روستا مجموعه ارزش‌ها و عقایدی شکل گرفته از جهان بینی مردم بوده و مرتبط با ساختار اجتماعی است.

معماری عمومی روستایی مرتبط با ساختار اجتماعی
ارتباطات اجتماعی مردم هر روستا بر ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی آن منطقه مبتنی بوده و دارای انسجام زیادی است. جمعیت کم روستاها و روابط شخصی

۶. برای آگاهی بیشتر نک. ازکیا، ۱۳۸۳، ص ۴۴.



مصلح و شرایط موجود نیست بلکه از فرهنگ و اوضاع اجتماعی نیز تاثیر می‌پذیرد و منجر به پدیداری معماری روستایی می‌شود. چنان‌که فرسایبی بیان می‌دارد، «عرصه مسکن به منظور تأمین رشد اجتماعی، علاوه بر خود واحد مسکونی، محیط پیرامون آن را نیز دربر می‌گیرد. مسکن از منظر یک نیاز زیستی، به تدریج از محدوده هندسی خانه خارج شده و هاله‌ای نامریی به عنوان عضوی از اجزای پیوسته‌ی ترکیبی، آن را درون یک شبکه پیچیده ارتباطی خدماتی محاط می‌کند. به این ترتیب سکونت به نیازی گسترش یابنده تبدیل می‌شود که طی روند شدت گرفتن سرعت تکامل اجتماعی، خود را با تغییرات و تحولات جدید در زمینه ارتباطات و رواج شیوه‌های جدید زندگی همراه می‌کند». بر این اساس بیشترین دگرگونی معماری مسکونی ناشی از تغییرات ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه و نیز تحولات یا تغییرات مربوط به کارکرد اقتصادی مسکن روستایی است که بنا به تعاریف ارائه شده و بیان ساختار اجتماعی روستاها، این خصوصیات در گذر زمان دستخوش دگرگونی گشته و به ناچار مسکن روستایی دچار تغییر می‌گردد.

توجه و ژرف‌نگری به تغییرات اجتماعی باید متناسب با هر منطقه صورت پذیرفته و لزوماً قابل تعمیم برای پهنه‌های دیگر نیست. زیرا هر نقطه در یک پهنه‌ی جغرافیایی، ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی منحصر به فردی دارد که چه بسا مغایر با نقاط دور و نزدیک است. اما با نگاهی کلی در جوامع روستایی گیلان، به واسطه‌ی یکپارچگی جغرافیایی و اشتراک فراوان تاریخ اجتماعی، خصایص اجتماعی از مشابهت‌های فراوان و خلوص بیشتری برخوردار می‌باشد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت خانوارهای روستایی به دلیل شرایط زندگی، دارای روابط نزدیک و خصوصی از نوع طبیعی و خویشاوندی بوده و با وجود اختلافات گروهی در مقابل با دیگر جوامع، از تجانس و یگانگی برخوردارند. هنجارهای اجتماعی حاکم بر رفتارهای مردم روستا، عمدتاً بر محور رسوم منعبت از زندگی فرهنگی جامعه قرار داشته و اگرچه در حال حاضر دچار تغییراتی شده‌اند، اما هنوز کیفیت

می‌شد. هم‌اکنون نیز می‌توان گفت شهرها مکانی هستند که از مرکزیت بازرگانی، مذهبی و اداری برخوردار بوده و وجود عناصر شاخص شهری جزء ویژگی‌های ممیزه‌آن است.

اما در بیان ویژگی‌های روستا، همواره بر خصوصیت اجتماعی و فرهنگی آن تاکید خاص بوده است. «جامعه روستایی مجموعه‌ی روابط انسانی است که در روستاها تشکیل می‌گردد. مفاهیمی چون روابط متقابل فردی، هم‌مکان بودن، اجتماع طبیعی، گروه‌هایی با هدف مشخص، نهادهایی که هسته ارتباط مداوم و پایدار در آنها متبلور می‌شود، همه و همه همچون رشته‌ی کشاورزی به واقعیت وسیعی که جامعه روستایی را تشکیل می‌دهد وابسته‌اند» (هویوآ، ۱۳۷۷، ص ۹). در مجموع می‌توان گفت در هر نقطه‌ای از جهان، معماری مسکونی بومی بیشترین تاثیر را از چهار عامل؛ شرایط جغرافیایی و طبیعی زمین، شرایط اقلیمی و آب و هوایی، شرایط اقتصادی و نحوه امرار معاش ساکنان و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه می‌پذیرد. در جوامع روستایی همواره بین این عوامل و مسکن بومی تعادلی برقرار بوده است که کارکرد بنا را به حداکثر بهره‌وری برساند. به گونه‌ای که با تغییر هر یک از این عوامل، مسکن باید دچار تغییراتی در جهت همسویی با نیازهای جدید بوجود آمده، باشد. اصولاً شرایط جغرافیایی و طبیعی زمین و به طبع آن، ویژگی‌های آب و هوایی کمتر دچار تغییر شده و در طی زمان تغییرات آنها نامحسوس‌تر از دو عامل دیگر است. در نتیجه عوامل فرهنگی و اجتماعی بر صنایع خانگی و تولیدات هنری تاثیرری ویژه برجای می‌گذارد به طوری که ویکتوریا الکساندر معتقد است، از دیدگاه جامعه شناسی هنر، «عوامل اجتماعی و استعدادهای آفرینش‌گری، تاثیرات متقابل بر یکدیگر می‌نهند»^۷. به عبارتی می‌توان بیان داشت خلق معماری درکنار عوامل جغرافیایی و اقلیمی، بی‌واسطه تحت تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و هنرمند معمار روستایی که بر پایه فونکسیون (عملکرد) دست به خلق اثر می‌زند، از میان راه حل‌های مختلف یکی را برمی‌گزیند که این انتخاب صرفاً نتیجه‌ی

۷. نک. مبانی جامعه‌شناسی هنر، علی رامین، ص ۳۵۴



طور عام در مورد دگرگونی در هنر (که شامل معماری به طور خاص نیز می‌گردد) چنین بیان می‌کند: «این تغییرات از قانون خاصی پیروی نمی‌کنند. این نوع رابطه هنر با تحولات اجتماعی را در همه موارد تحول می‌بینیم، چه در موردی که جامعه‌ای بر اثر جنگ یا کشورگشایی جانشین جامعه پیشین شده باشد، چه در هنگامی که تحول داخلی و سیاسی است، چه در زمانی که پویایی درونی جامعه‌ای موجب می‌شود که با توافق خود جامعه، تغییری در شیوه‌ی تولید اقتصادی آن صورت بگیرد و چه زمانی که جامعه‌ای سنتی دستخوش تحول می‌شود و خود را در محیط تکنولوژی تازه‌ای می‌یابد» (دو وینیو، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷).

«جان ماسیونز» و «کن پلومر» در مورد تفاوت‌های جوامع سنتی و مدرن به طور عام با برشمردن خصوصیات الگوهای فرهنگی و ساختار اجتماعی، تمایزهای زیر را بیان می‌دارند:

در دهه‌های اخیر آهنگ تغییرات در چهره‌ی روستاهای گیلان نرخی پرشتاب داشته، به طوری که ظاهر کلی روستاها و مسکن آنها را به شدت دگرگون ساخته است. مشاهدات عینی به وضوح بیانگر دگرگونی‌های فرهنگی متعاقب تغییرات اجتماعی است و اهم دلایل تغییرات ذکر شده را: ورود و گسترش تکنولوژی و وسایل ارتباط دیداری که مهم‌ترین آنان انتقال و دریافت تصاویر از طریق تلویزیون و شبکه توزیع فیلم، اینترنت، موبایل و غیره است، گسترش شبکه ارتباطی میان شهری و بهبود مسیرهای دسترسی به روستاها، تغییرات نظام اداری و برخی قوانین کشوری، تغییر در ساختار سنتی خانواده و تجزیه خانوارهای گسترده به خانواده‌های هسته‌ای کوچک، رواج الگوهای فرهنگی شهرنشینی مخصوصاً در معماری حاشیه شهرهای بزرگ، می‌توان نام برد.^۸ البته عوامل دیگری همچون تغییر رفتار اقتصادی و فعالیت‌های معیشتی، در تغییر سیمای روستاها دخیل هستند که قابلیت کنترل و برنامه‌ریزی دارند.

علاوه بر موارد فوق، بایستی تمایل طبیعی روستانشینان به زندگی بهتر و راحت‌تر را نیز عامل مهم در ایجاد تغییر در

خصلت فرهنگی و آداب ویژه‌ی خود را حفظ کرده‌اند. می‌دانیم مکان‌های عمومی روستایی همانند قطب و گره‌های کالبدی که بیشترین کاربری‌های غیر مسکونی در آن جای داشته و محل تلاقی مهم‌ترین معابر درون روستایی است، به عنوان مکانی خاص برای چهره به چهره شدن افراد ساکن در آن است؛ جایی که انسان‌ها در آن به مبادله فرآورده‌های مصنوع، اندیشه‌ها و احساسات خود با یکدیگر می‌پردازند. اساساً فضاهای عمومی روستا صحنه‌ی ملاقات و دیدار انسان‌ها و ارتباط عمومی آنها است. از این رو در این فضا، انسان با احساس آزمودن آنچه که به یک جهان معنا می‌بخشد، مسکن می‌گزیند. با پذیرش چنین فضایی، روابط اجتماعی از دیدارهای ساده، به توافقاتی پیچیده ارتقاء می‌یابد که نشان از توسعه جامعه داشته و امکان عضویت و اجتماع پذیری را میسر می‌سازد. این تعامل، نیازمند فضایی مشاع است که دیدارهای روزانه در آن به وقوع بپیوندد. این مکان عمومی حافظ ارزش‌های مورد توافق در اجتماع بوده و سکونت عمومی را فراهم می‌سازد.

الگو پذیری تغییرات اجتماعی جوامع روستایی از شهرها لازم به اشاره است که آهنگ تغییرات اجتماعی همواره ثابت نیست، چنان‌که تغییرات اجتماعی شامل دگرگونی‌هایی باشد که در چند دهه یا چند نسل بوجود آید و عموماً یک فرد نتواند شاهد آن در طول زندگی خود باشد، در این صورت سرعت تغییرات اجتماعی آهسته دانسته می‌شود؛ حال آنکه گاه تغییرات اجتماعی آهنگی پرشتاب داشته و یک نسل می‌تواند شاهد مرحله به مرحله تغییرات باشد. البته در این میان، تغییر و تحول اجتماعی به دگرگونی اندیشه یا رفتار گروهی کوچک و عده‌ی کمی منحصر نگردیده بلکه این تغییرات در سطح وسیعی از جامعه صورت می‌پذیرد. همچنین این تغییرات محسوس بوده و از دوام و بقای نسبی برخوردار می‌باشند. این تغییرات اجتماعی بر تولیدات فرهنگی از جمله آثار هنری تأثیری برجای می‌گذارند. هنر با تجربه تغییرات اجتماعی رابطه دارد و این رابطه در حال تداوم است. ژان دو وینیو جامعه‌شناس و نویسنده فرانسوی، به



جدول ۱. جوامع سنتی و مدرن: ماخذ: Macionis, 1998: 678

ارکان اجتماعی	جوامع سنتی	جوامع مدرن
الگوهای فرهنگی		
ارزش‌ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرده‌فرهنگ‌ها و تقابل فرهنگی اندک	نامتجانس؛ خرده‌فرهنگ‌ها و تقابل فرهنگی زیاد
هنجارها	مظاهر اخلاقی والا؛ تحمل اختلافات اندک	مظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته	زمان حال متصل به آینده
تکنولوژی	پیش‌صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی	صنعتی؛ منابع انرژی پیشرفته
ساختار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت‌های اجتماعی محدود؛ اغلب انتصابی؛ وظایف تخصصی محدود	وضعیت‌های اجتماعی متعدد؛ برخی انتصابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی زیاد
خویشاوندی	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوت ضعیف	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوت متناوبه
ارتباطات	چهره به چهره	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسایل ارتباط جمعی
نظارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی	پلیس رسمی و سیستم قانونی
طبقه بندی اجتماعی	الگوهای نابرابری اجتماعی مقاوم؛ انعطاف اندک	الگوهای شناور نابرابری اجتماعی؛ انعطاف قابل توجه
الگوهای جنسی	پدرسالاری محتوم؛ زنان در میان خانه زندگی می‌کنند	کاهش پدرسالاری؛ افزایش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	مبتنی بر تولید انبوه صنعتی؛ کارخانجات مرکز تولیدند؛ افزایش کار اداری
وضعیت دولت	دولت با مقیاس کوچک؛ مداخله کم دولت در اوضاع اجتماعی	دولت با مقیاس بزرگ؛ مداخله قابل توجه دولت در اوضاع اجتماعی
خانواده	خانواده گسترده به مفهوم اولیه اجتماع و تولید اقتصادی	خانواده هسته‌ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف‌گرا
مذهب	جهانبینی مذهبی؛ ضعف در تجمیع مذاهب	تضعیف مذهب توسط رشد علم؛ تجمیع مذاهب قابل توجه مذاهب
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	تحصیلات ابتدایی همگانی همراه با رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و ولد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی پایین به دلیل پایین بودن استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمان ابتدایی	زاد و ولد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل ارتقای استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمانی گمراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمدتاً توضع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

مدیریت شهری

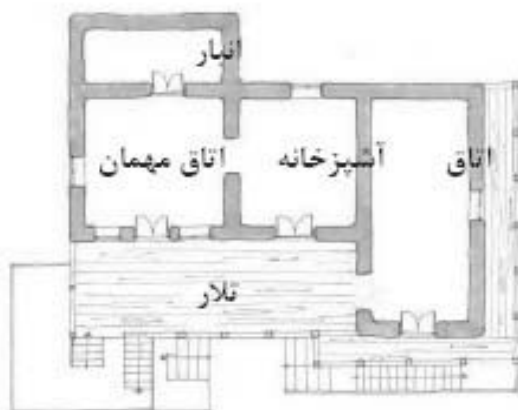
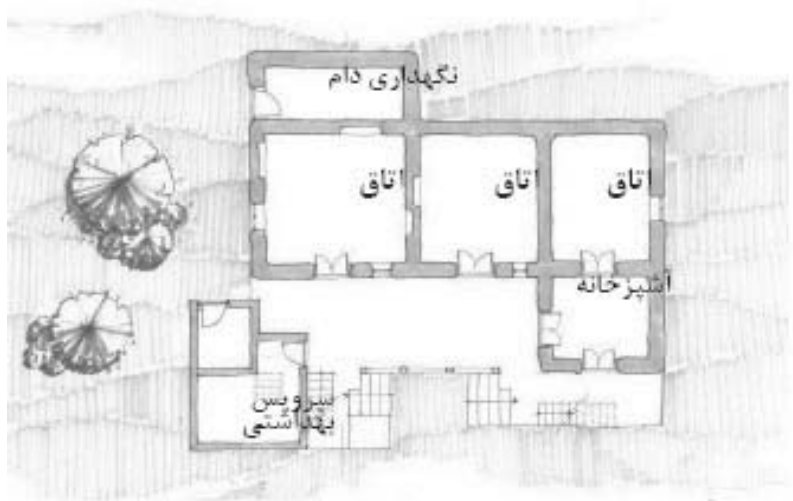
دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰
No.27 Spring & Summer

۲۳۷

حاشیه‌نشینی در شهرها که فاقد ارزش‌های معماری‌اند، جای بناهای سنتی روستایی را که به نظر می‌رسد عملکرد پیشین خود را از دست داده‌اند، می‌گیرد (تصویر شماره ۲). علاوه بر تغییرات فرهنگی در پی دگرگونی‌های اجتماعی، گاه در روند تقلید از ساخت مسکن شهری در روستاها، مشکلات زیادی در زندگی روستایی به وجود می‌آید که بعضاً منجر به باور لزوم مهاجرت به شهر می‌شود؛ چراکه ساکنان بناهای جدید، به رغم تصور خویش از مسکن مناسب، الگوهای گرت‌برداری شده را مطابق با زندگی کنونی خود نیافته و به جای جستجوی الگویی کارآمد، خواهان تعویض روش‌های زندگی می‌شوند. از آنجاکه نیازهای فرهنگی و اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌شود و در تعدادی از

جامعه روستایی خصوصاً در شیوه‌ی تولید آن در نظر گرفت. متعاقب این تغییرات، نیازهای جدیدی در زندگی روزمره روستاییان ظهور پیدا می‌کند که تغییر در برخی فضاهای خدماتی محوطه مسکونی، حذف بعضی از بناهای جانبی خانه و یا ایجاد عناصری دیگر متناسب با تغییرات در روند فعالیت‌های اقتصادی تازه، از آن جمله‌اند.

دگرگونی‌های فرهنگی در بعضی موارد باعث بروز تفاوت‌هایی در شکل‌گیری عناصر و اجزای معماری بوده است. از این رومعمولاً در شیوه و الگوی ساختمان‌سازی، تحولاتی بر جای می‌نهد. به گونه‌ای که در روند تاثیر زندگی و فرهنگ شهری بر روستاییان در بسیاری موارد، الگوهای معماری شهری و به‌ویژه الگوهایی از



تصویر ۲. لزوم ایجاد تغییرات در الگوی بناهای سنتی روستای حاجی سرای لنگرود که امروزه کارایی پیشین خود را از دست داده‌اند؛ ماخذ: نگارندگان.

داشته باشد. در غیر این صورت قدیم و جدید با هم همسازی نداشته و در بعضی موارد حتی دو الگوی کاملاً متناقض هستند» (هال، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). در جهت بهینه‌سازی الگوی مسکن روستایی، دگرگونی در هر یک از خصوصیات فرهنگی و تغییر در روابط اجتماعی باید به طور ویژه مورد کنکاش قرار گیرد. به عبارتی دیگر اگر در ارایه ضوابط و پیشنهاد الگوها این موضوع لحاظ گردد، بنای مسکونی روستایی، عملکردی مناسب‌تر خواهد داشت. به طور مثال، در روستاهای معتدل و مرطوب گیلان، فضایی نیمه خصوصی - نیمه عمومی به نام «تلاز»^۹ بخش مهمی از زندگی افراد را در خود جای می‌دهد که در چند دهه اخیر به خاطر توسعه راه‌ها و ورود افراد غریبه به روستاها به واسطه گسترش امکان رفت و آمد به نقاط روستایی، این فضا تغییراتی یافته است. چنان‌که در جلوی فضای نیمه محصور تلاز، امروزه پرده‌ای از جنس پارچه نصب می‌گردد. این در حالی است که به دلیل همبستگی خانوادگی در روستاها، سابقاً چنین نیازی احساس نمی‌شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل افزوده شدن این حجاب، پایبندی به رعایت پوشیدگی در برابر افراد بیگانه و غیربومی در روستا است

شهرها پاسخ صحیحی برای آنها وجود دارد، «از این رو گونه‌ای عدم تعادل میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود و روستاییان برای ارضای نیازهای خود دست به مهاجرت می‌زنند» (تقوی، ۱۳۷۱، ص ۵۵). بنابراین از این دیدگاه، مهاجرت، ناشی از فقدان پاسخ‌گویی به نیازهای تازه و تمایل به زندگی بهتر و در نتیجه عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است. در واقع هرگونه تغییری که در این جامعه‌ها روی می‌دهد به انگیزه برقراری تعادل و هماهنگی است. اما به دلیل تجانس فرهنگی به دنبال وقوع این امر، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی به بدنه جامعه شهری و روستایی تحمیل می‌شود.

مسکن؛ تابع تحولات اجتماعی و فرهنگی

هر تحول اجتماعی و فرهنگی تأثیری آشکار یا نهان بر الگوی مسکن سنتی روستاییان داشته و با تغییر آن کالبد مسکن را نیز دگرگون می‌سازد. «فرهنگ‌ها تعمیم دهنده‌ی اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی از سازه‌واره بشری هستند. هرکجا که اقتباس فرهنگی در بین باشد، موضوع اقتباس شده بایستی با فرهنگ جدید توافق

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰
No.27 Spring & Summer

■ ۲۳۹ ■



تصویر ۳. به‌کارگیری پرده برای کنترل دید افراد غریبه در روستای کنگ‌گوراب استان گیلان؛ ماخذ: مجموعه عکس‌های نگارندگان.

۹. تلاز (Talar) ایوان طبقه‌ی دوم در بنای روستایی است که فاقد جداره‌های صلب بوده و جریان یافتن باد در آن موجب تامین آسایش اقلیمی در فضا می‌گردد. این عنصر در اوقات زیادی از سال جزء مهم‌ترین فضای زیستی در روستا است.

فضاهای خدماتی محوطه سکونتی حذف شده اند برخی از این فضاهای جنبی در گذشته کارکرد اقتصادی نیز داشته و در تعامل انسان و مسکن، جزء غیر قابل تفکیک فضاهای مسکونی بوده اند. از جمله این عناصر می توان به تندرستان (تنور پخت نان)، گرمخانه (برای خشک کردن برگ توتون) دود اتاق (برای خشک کردن و دودی نمودن برنج) و غیره اشاره نمود (تصویر شماره ۴). همچنین به دلیل توسعه راه های روستایی و امکان استفاده از مصالح جدید و روش های نوین و الزام به رعایت استانداردهای ساخت بنا در روستاها همانند مقاومت بنا در برابر زلزله، شیوه های ساختمان سازی نیز متحوّل گردیده و مصالح و جزییات اجرایی ساختمان های سنتی بومی دگرگون شده است. این گونه تغییرات از حیث بهره گیری از مصالح منطقه ای و خصوصیات مثبت آنها باید با دقت بیشتری از طرف متخصصان صورت پذیرد و جایگزین کردن تقلیدی مصالح جدید با مصالح بومی سنتی مناسب نیست. در بیشتر موارد متاسفانه پدیده تقلیدگری با حذف مصالح بومی و چشم پوشی از به کارگیری وجوه مثبت آن همراه بوده است.

چنان که می دانیم، شرایط فرهنگی حاکم بر روستاهای بسیاری از مناطق، گویای ارتباطی گسترده و خویشاوندی نزدیک بین افراد یک محل بوده و تفکیک واحدهای مسکونی همانند الگوهای شهری با حفظ کامل حریمت در این گونه مناطق منتفی است. تنها، در زندگی اجتماعی شهرهای امروز است که ارتباط با همسایگان به حداقل رسیده و تمایل آنان برای پوشیده نگه داشتن زندگی درونی خانواده از امکان نظاره ی دیگر افراد، به حداکثر می رسد. بر این اساس «در نظر گرفتن شرایط رفتارهای اجتماعی ساکنان روستاها در ارایه ضوابط و الگوهای ساخت مسکن روستایی اهمیت ویژه ای دارد» (مهندسان مشاور طاهر افراز، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶). این خود گویای این امر مهم است که کم اهمیت شمردن شرایط فرهنگی برای طرح های معماری می تواند منجر به ارایه حتی ساخت بناهایی بدون کارایی مناسب گردد.

روابط بین گروه های سنی و جنسی در روستاهای گیلان تابع شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه بوده و همانند سایر

که اکنون بنا بر سهولت تردد در کلیه مناطق، و با آهنگ پرشتاب احداث و بهسازی راه ها توسط جهاد سازندگی پس از انقلاب اسلامی، موجب احساس عدم امنیت خانوارهای روستایی شده است. به دلیل فقدان حصار بصری بین مکان های عمومی مانند گذرهای روستا و تالار خانه در ساختار بناهای روستایی گیلان، دید مستقیم از معابر روستا به این فضای زیستی مهم خانواده، وجود دارد و این تغییر (نصب پرده) نظاره افراد غریبه، به حریم فضایی خانواده را مسدود می کند (تصویر شماره ۳). در مثالی دیگر، به دلیل عمران و خدمات رسانی به روستاها در سه دهه گذشته اغلب این مناطق از تسهیلات آبرسانی برخوردار گشته و در نتیجه سرویس های بهداشتی خصوصی در بناهای روستایی رواج بیشتری یافته است. این تغییرات عموماً به جابجایی سرویس های بهداشتی از دورترین فاصله محوطه مسکونی تا خانه، به درون یا کنار واحد مسکونی نیز منجر شده است.

در پی تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییر در شیوه های سکونت و زندگی، برخی فضاهای محوطه های مسکونی روستایی به مرور زمان فاقد کارایی اولیه بوده و به تدریج از

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰
No.27 Spring & Summer

■ ۲۴۰ ■



تصویر ۴. تنور پخت نان (تندرستان) در روستای انبوه گیلان که به مرور کارایی خود را از دست می دهد؛ ماخذ: مجموعه عکس های نگارندگان.

محصولیت کامل مسکن را بدان گونه که در ایران مرکزی مشاهده می‌شود، منتفی نموده و محرمیت بنا را به حداقل می‌رساند. در معماری این مناطق، فضاهای شفاف و متخلخلی که روبه بیرون دارد، اگرچه برای پاسخ به نیازهای اقلیمی خلق شده، در هماهنگی کامل با نیازهای مذهبی و اجتماعی مردم این دیار است» (خاکپور، ۱۳۸۶، ص ۲۸) (تصویر شماره ۵).

این درحالی است که در برخی نقاط مرکزی ایران، زنان تنها برای رفع نیازهای مهم و با پوششی کامل از منزل خارج شده و در هیچ یک از فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه مشارکت ندارند. ساختار متمایز اندرونی و بیرونی در این بناهای مسکونی برای تعاملات اجتماعی، دارای هشتی‌ها و دالان‌های پیچیده‌ای است که دید افراد غریبه را به درون خانه سدّ می‌نماید. با این همه برای تمیز دادن خویشان نزدیک از افراد نامحرم از کوبه (دق الباب)‌های مجزایی که دارای صدای زیر و بم است، استفاده می‌شود و مطابق عرف جامعه، زنان و افراد محرم خانه، از کوبه‌ای با صدای زیر استفاده می‌کنند (تصویر شماره ۶).

سلسله مراتب خصوصی سازی فضا در واحد مسکونی، با ایجاد حریم‌ها و عناصر واسط، میان معبر تا اتاق که عنصری با محرمیت کامل است، انجام می‌پذیرد. این امر

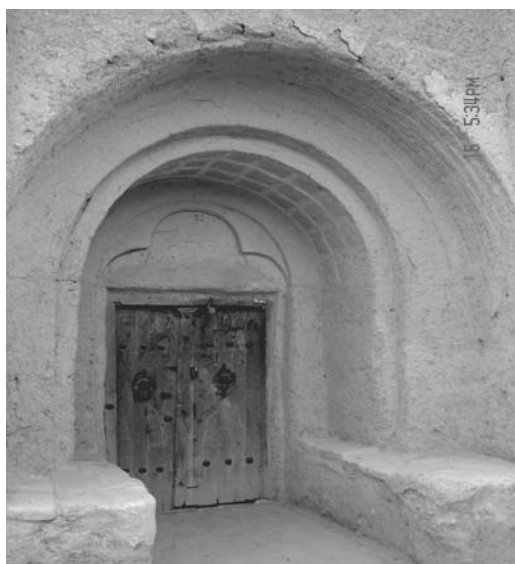
روستاهای ایران دارای چارچوبی مشخص و ضوابطی متعارف است؛ اما دارای تفاوت‌های منطقه‌ای زیادی است. به عنوان نمونه در بسیاری از روستاهای این استان ارتباط اجتماعی زنان و مردان تابع عرف جامعه است ولی تحت تاثیر موقعیت زنان در اقتصاد خانواده مغایر با جوامع روستایی دیگر نقاط ایران بروز می‌کند. توضیح آنکه «در عین پای بندی به قواعد و ضوابط شرعی، زنان روستایی خود را از مردان پنهان نمی‌کنند و صحبت کردن بین آنها در حد معمول و در رابطه با کار یا همسایگی، مذموم و ناپسند نیست» (طالب، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵). البته این رفتار فرهنگی در تمام ایران رایج نیست. «در پاره‌ای از روستاها به دلایل مختلف فرهنگی، نه تنها زنان در مزارع و انظار عمومی ظاهر نمی‌شوند، بلکه از برخورد و صحبت با مردان نامحرم روستایی نیز روی برمی‌گردانند» (طالب، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵). این طور به نظر می‌رسد که مردم مناطق شمال کشور که به دلیل شرایط جغرافیایی به صورت عمده به کشت برنج اشتغال دارند، برای انجام فعالیت‌های اقتصادی خود، نیازمند کار همه‌ی افراد خانواده هستند. به عبارتی، مهم‌ترین مراحل کاشت برنج بر دوش زنان گیلان است.

کار زیاد زنان در شالیزار و خارج از خانه، منجر به بروز فرهنگ متمایزی شده است. «این ملاحظات،

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰
No.27 Spring & Summer

■ ۲۴۱ ■



تصویر ۶. ورودی با کوبه‌های مجزا در روستای روران استان مرکزی؛ ماخذ: مجموعه عکس‌های نگارندگان.



تصویر ۵. ارتباط فضاهای نیمه خصوصی و نیمه عمومی در یک بنای مسکونی سنتی با معبر مجاورش در روستای گشت رودخان گیلان؛ ماخذ: مجموعه‌ی عکس‌های نگارندگان.

هر روستا، معضلاتی به بار می‌آید که کم‌ترین آن هدر رفتن انرژی و اتلاف سرمایه است. لذا حفظ تعادل عملکرد بنا (فونکسیون) باید مبتنی بر دگرگونی‌های نظام اجتماعی و تغییرات فرهنگی بوده و در شکل‌گیری مسکن روستایی، اهمیت این عامل باید مورد نظر قرار گیرد و تاثیرات آن بر بنای مسکونی به چالش کشیده شود.

آن چنان‌که پیشتر اشاره شد، آشکار است که «نیاز به زندگی راحت و امروزی خواسته تمامی روستاییان بوده و گاه یکی از مهم‌ترین عوامل ترک مسکن سنتی و حتی تمایل مهاجرت به شهرها، بهره‌گیری از مسکنی مرفه و مدرن ذکر گردیده است. تمایل برای داشتن مسکنی با ظاهری به اصطلاح امروزی و زیبا، نیاز روانی بسیاری از ساکنین روستا است» (مهندسان مشاور طاهر افراز، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶). تکنولوژی ساخت در زمان کنونی از تحولات زیادی برخوردار شده است و برای ساخت مسکن روستایی، قیود محدودیت‌های تکنیکی زمان پیشین را از پیش رو برداشته و در این خصوص آزادی عمل بیشتری را به طراحان و سازندگان مسکن در روستاها داده است. با آگاهی بر این موضوع تقلیدگری از الگوی مسکن شهری پاسخ مناسب به نیازهای ساکنان روستا نیست و به دلیل آنکه عوامل لازم برای طرح الگوی مسکن مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد، این‌گونه مسکن‌های روستایی از بهره‌وری مناسب برخوردار نمی‌باشند و در نهایت عدم رضایت

در مناطق مختلف کشور که دارای رفتارهای فرهنگی متمایزی هستند، کاملاً متفاوت بوده و اهمیت فضاهای نیمه خصوصی مانند مهمان‌خانه که واسطه اتاق‌های خصوصی خانه و بخش‌های غیر خصوصی واحد مسکونی اند و حتی معبرهای فرعی که فضای عمومی بلامنازعه می‌باشند، همگی به خصوصیات ساختار فرهنگی وابستگی دارند. از این منظر فضاهای واسطه (نیمه خصوصی - نیمه عمومی)، از جهت مترائ و درصد سطح اشغال در مسکن، جایگزینی و استقرار فضایی در خانه، لزوم وجود یا حذف آن، کاملاً متفاوتند. در روستاهای ایران مرکزی، دالان‌ها و ایوان‌ها، دور از وجوه اصلی بنا بوده و می‌توانند به سادگی جای خود را به فضاهای عمومی واحد مسکونی دهند. ولی آن چنان‌که بیان شد، حذف ایوان در خانه‌های روستایی استان‌های شمالی کشور (تلار) که در بیشتر ایام سال محل اصلی زیست خانوارهای روستایی اند، خدشه‌ای جدی بر کارایی کالبد مسکونی در این مناطق وارد می‌آورد و تغییرات فرهنگی نیز در پی خواهد داشت (تصویر شماره ۷).

آنچه حایز اهمیت ویژه است تجانس یا عدم تجانس تغییرات کالبدی بناهای روستایی با تغییرات اجتماعی و فرهنگی است که در صورت عدم تطابق تحولات الگوی مسکن با ارزش‌های اجتماعی و نظام رفتاری قاعده‌مند

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰
No.27 Spring & Summer

■ ۲۴۲ ■



تصویر ۸. مسکن با الگو و ظاهر نامناسب در روستای قاسم آباد رودسر؛ ماخذ: مجموعه عکس‌های نگارندگان.



تصویر ۷. ارتباط درون و بیرون خانه در روستای شیخ‌علی توسعه رودبار؛ ماخذ: مجموعه عکس‌های نگارندگان.



تصویر ۹. الگوبرداری از مسکن غیر بومی به دلیل نیاز به مسکنی با ظاهر مناسب در روستای سیمبرخاله، رضوان شهر؛ ماخذ: مجموعه عکس‌های نگارندگان.

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰
No.27 Spring & Summer

■ ۲۴۳ ■

ساکنان روستا را موجب می‌گردند (تصویر شماره ۸). به عنوان مثالی دیگر، در مورد اهمیت فضایی کاربردی همچون آشپزخانه ادوارد هال معتقد است که «ارتباط فضای دارای سیمای ثابت با شخصیت افراد همین‌طور با فرهنگ در هیچ مکانی به اندازه‌ی آشپزخانه روشن و واضح نیست» (هال، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷). امروزه بسیاری از افراد روستا به تقلید از شهرنشینی، آشپزخانه‌ی باز (آپن)^{۱۰} را از ملزومات خانه‌های جدید می‌دانند. حال آن‌که با نگرش به نوع زندگی و رفتارهای روزانه ساکنان روستا، می‌توان گونه‌هایی از آشپزخانه باز را در طراحی واحدهای مسکونی گنجانده که با فرهنگ سنتی مردم مغایر نبوده و ارتباط کنترل شده‌ای از آشپزخانه با نشیمن مهمان طرح‌گردد. بدین ترتیب میان خواسته و شیوه‌ی سکونت‌ی مردم آشتی برقرار می‌گردد و تعامل انسان و مسکن در شیوه سکونت بومی به حداکثر می‌رسد (تصویر شماره ۹).

همان‌گونه که تعلیم و تربیت، خانواده و مذهب در تداوم شیوه‌ی زندگی بنا نهاده شده و در این راستا بیان می‌گردند، خانه نیز می‌تواند تبلوری از جهان بینی و اخلاق قومی باشد. ساخت خانه و استقرار آن علاوه بر تاثیر پذیری از عوامل اقتصادی، جغرافیایی و اقلیمی، یک کنش فرهنگی است که با آشیانه سازی از روی غریزه متفاوت است و حتی در سخت‌ترین شرایط و در میان شدیدترین تنگناها و قیود فیزیکی و با تکنیک‌های محدود، باز هم یک انتخاب از میان انتخاب‌های متعددی است که نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌سازد. خانه دارای مفهومی گسترده‌تر از فضای فیزیکی سکونت است. مسکن یک پدیده فرهنگی است و مفهومی چند ساحتی دارد. خانه دربردارنده‌ی سکونت خصوصی است و در تعامل با فضاهای مجتمع زیستی، سکونت عمومی را معنا می‌بخشد. از این‌رو کسب هویت فردی توسط مسکن در مجاورت با مکان‌های عمومی به هویت اجتماعی منجر می‌گردد. برای نیل به این منظور لازم است طراحی مسکن در روستاها منفصل از مجموعه‌ی سکونت‌ی نبوده و با فضاهای زندگی جمعی منطبق گردد. الگوی مسکن مجرد فاقد کیفیت مطلوب برای احراز نتیجه گیری و جمع‌بندی خانه خود یکی از مفاهیم پایه‌ای در فرهنگ تلقی می‌گردد. خانه تحقق مادی محیط آرمانی افراد است و

۱۰. آشپزخانه‌ی باز که در نزد عموم به آشپزخانه آپن (open) معروف است، ارتباط فضای آشپزخانه با فضاهای عمومی خانه عموماً از طریق حذف بخشی از دیوار صورت می‌پذیرد. آشپزخانه آپن می‌تواند با میزان متفاوت درگشایش فضاهای مربوطه، ارتباط متنوعی را در عناصر معماری معرفی کند.

همگن است و کل مجتمع، کادری از زندگی است که سلسله مراتب خصوصی سازی زیستن در آن به غایت رعایت شده است. در استفاده از الگوهای معماری غیر بومی که برگرفته از الگوهای معماری شهری است، نوعی تمایل به متمایز کردن خود از دیگران، تجدیدگرایی و موقعیت اجتماعی تازه دست یافته دیده می شود. گاه به گمان اینکه داشتن فضایی متفاوت موجب تغییر موقعیت اجتماعی فرد می شود، در گزینش آگاهانه یا ناخودآگاه الگوها تاثیر دارد.

ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به دلیل ماهیت وجودی خود در بستر زمان دچار تغییر و حتی تحول است. بدین سان مشاهده ی تغییرات در روستاها، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن در سیمای روستا و به خصوص در کالبد و معماری آن تحولاتی بوجود آمده است. از آنجاکه تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است. بنابراین کالبد زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات. لذا برای تحقق این تداوم نیازمند سازماندهی اجتماعی هستیم. این دگرگونی ها، نیازهای جدیدی را در کالبد بنای مسکونی متولد کرده اند که امروزه برای زندگی مناسب در جامعه روستایی ناگزیر از پاسخگویی به این نیازها هستیم. چنانچه در ارایه ضوابط برای ساخت مسکن در زمان کنونی، به خواسته های جدید زندگی که برگرفته از تحول اجتماعی روستاهاست توجه کافی مبذول گردد، مسکن روستایی از کارایی مناسب بهره مند می گردد. به این ترتیب هم از هدر رفتن سرمایه جلوگیری گردد و هم رفاه نسبی شامل حال افراد روستا می شود. بدین منظور شناخت کارکرد اجزای واحد مسکونی در پی گونه شناسی مسکن و تحلیل ویژگی های کاربردی آنها در مناطق مختلف و در زمان های گذشته و حال، لازم است و باید با وثوق و علم به نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی نسل حاضر، ارایه ضوابطی که منطبق بر دیگر نیازهای موثر در شکل یابی مسکن روستایی باشد؛ با علم به گریزناپذیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه ای که برای آن طراحی می کنند، صورت پذیرد. برای تحقق این هدف، گونه شناسی معماری روستایی و نقد و تحلیل اجزا و عناصر واحد مسکونی به

هویت اجتماعی است. چنانچه طرح الگویی خانه در روستاها در کنشی مشترک با عرصه های عمومی باشد، تقویت کننده ارتباط اجتماعی و تعالی بخش ارزش های فرهنگی مردم خواهد بود. بدین منظور با در نظر گرفتن مواردی که مورد بررسی قرار گرفته، توجه به مفاهیمی همچون امنیت، تعیین حریم و قلمرو، ازدحام، سازگاری مقیاس محله با مقیاس قومی، حفظ تراکم سالم، تعلق به گروه اجتماعی، روش های حسی ادراک فضای معماری و در خلاصه ی کلام، فرهنگ قومی پنهان مولود معماری بومی اهمیت اساسی دارد. برای پی بردن به گزینش های فرهنگی انواع گونه های مسکن در یک واحد فرهنگی، ابتدا باید هویت و خصوصیت آن فرهنگ را مورد ارزیابی قرار داد.

برتری نمادین فضا به فرهنگ جاری و ساری درون جامعه وابستگی تام دارد. الگوهای توزیع فضا، وجود حجاب های نامرئی و جداسازی غیر فیزیکی تک فضا در درون خانه را منجر می گردد. اما نظام ارزشی جزء فضا در نقاط مختلف گیلان، یکسان است. از مثال های آن می توان به توزیع و تعریف جایگاه مهمان درون اتاق اشاره کرد که دیوار مقابل به ورودی و متمایل به کنج، تکیه گاه مهمان بوده و در موارد عدم حضور مهمان، جایگاه مرد خانه است. در فرهنگ ایرانیان بالانشینی به معنای جای گیری در صدر اتاق و به عبارتی، دیوار مقابل ورودی اتاق است.

در مناطقی از گیلان (همانند جلگه ها) که اجزای محوطه مسکونی به صورت منفک درون سایت قرار می گیرند از روش تجمع عناصر کارکردی بهره برده و به بیانی از روش افزایش فضایی بر فضای دیگر استفاده می گردد؛ اما در نقاط دیگر (به خصوص نقاط کوهستانی) که عناصر در قالب یک بنا گنجانده می شوند، از روش تفکیک داخلی و تجزیه ساختمان به اجزای کارکردی استفاده می شود. موقعیت قرارگیری انبارها، حیوانات اهلی و کلیه اجزای واحد مسکونی نیز تحت تاثیر فرهنگ قرار می گیرد. اصولاً فضای اختصاص یافته به آنچه که بیشترین اهمیت را دارد، در مرکز واقع است و در گیلان خانه (بنای مسکونی) در مرکز سایت قرار دارد. در زندگی اجتماعی روستایی گیلان، خانه تنها بخشی از یک مجتمع زیستی

انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۲. مهندسان مشاور طاهر افراز شمال (۱۳۸۶) پروژه مطالعات و طراحی الگوی مسکن روستایی استان گیلان، رشت.

۱۳. نورنبرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۷) معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، تهران.

۱۴. نورنبرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۴) مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه امیر یاراحمدی، نشر آگه، تهران.

۱۵. وبر، ماکس (۱۳۸۵) مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صادقی، نشر مرکز، تهران.

۱۶. وثوقی، منصور (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، چاپ سیزدهم، تهران.

۱۷. هال، ادوارد (۱۳۸۷) بعد پنهان، ترجمه منوچهر طیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، تهران.

۱۸. هوپوآ، ژبووانی، دوبرولسکی، چمبرز (۱۳۷۷) مسایل جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا و علی اکبر نیک خلق و محمد مهاجر ایروانی، نشر نوبهار، تهران.

۱۹. فرسای، علیرضا (۱۳۸۷) مسکن چیست؟ سکونت یعنی چه؟، سایت www.maskanmag.com تاریخ بازدید ۸۸/۱۱/۱۵، ساعت ۲۲.

۲۰. www.daneshnameh.roshd.ird تاریخ بازدید ۸۸/۹/۲، ساعت ۱/۴۵.

21. DeFleur, Melvin L (1977), *Sociology: Human Society, USA*, Scott, Foresman and Company.

22. Macionis, John J. And Ken Plummer (1998), *Sociology: a global introduction*, New Jersey, Prentice Hall Europe.

23. Meliuh, Fouzia and Kheira Tabet Aoul (2001), *L'Habitat Espaces et Reperes Conceptuels*, Courrier du Savoir- N°01, Novembre, pp59-64.

24. Rapoport, Amos (1972), *Pour une Anthropologie de la Maison*, Paris, Dunod.

25. Roberts, C, and Julia Russell (2002), *Angles on Environmental Psychology*, London, Nelson Thornes Ltd.

لحاظ کاربرد آنها از جنبه‌های گوناگون، در هر منطقه حایز اهمیت ویژه‌ای است. لازم است هر یک از نیازها و نیز خواسته‌های سکونتی به طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته تا بهترین گزینه‌ها برای کالبد و عناصر مسکن انتخاب گردد. راهکار برای پاسخگویی به این دگرگونی‌ها می‌باید با توجه به ساختارهای اجتماعی و نیازهای فرهنگی روستاییان در پهنه‌های جغرافیایی مختلف در نظر گرفته شود.

منابع و مأخذ

۱. آیت‌اللهی، حمید رضا (۱۳۸۷) بررسی دیدگاه‌های هرمنوتیکی در ساحت‌های مختلف فهم، پژوهشنامه فرهنگستان هنر شماره ۱۱، تهران.

۲. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳) توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.

۳. بردلی، هریت (۱۳۸۶) دگرگونی ساختارهای اجتماعی: طبقه و جنسیت، ترجمه محمود متحد، نشر آگه، تهران.

۴. پاپلی یزدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی (۱۳۸۱) نظریه‌های توسعه روستایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.

۵. تقوی، نعمت‌ا... (۱۳۷۱) مهاجرت‌های روستا-شهری: درآمدی جامعه‌شناختی بر نظریه‌ها، انتشارات ستوده، تبریز.

۶. خاکپور، مژگان (۱۳۸۴) مسکن بومی در جامعه روستایی گیلان، نشریه کندوج، شماره ۱، صص ۲۶-۳۰.

۷. خاکپور، مژگان (۱۳۸۶) معماری خانه‌های گیلان، انتشارات ایلیا، رشت.

۸. دو وینیو، ژان (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی هنر، ترجمه مهدی سبحانی، نشر مرکز، تهران.

۹. راپاپورت، امس (۱۳۶۶) منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

۱۰. رامین، علی (۱۳۸۷) مبانی جامعه‌شناسی هنر، نشر نی، تهران.

۱۱. طالب، مهدی (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی روستایی،

